

#### حرف درشت

#### آیا زلزله تهران شوخی است؟



✎ **پوریا عالمی**

● کواکیبیان در مجلس به روحانی تذکر داده: «اگر در تهران زلزله بیاید، کمترین آمار جان‌باختگان چهار میلیون نفر خواهد بود».

– مردم تهران اما گفتند: زلزله هفت‌ریشتری که برای ما چیزی نیست. زلزله اصلی محمود احمدی‌نژاد بود که آمد و رفت.

– مردم ایران به مردم تهران گفتند: داداش، پس‌لسرزه‌ش به شما گرفت وگرنه ما هنوز هم نتونسیم از جا بلند شیم.

– تعدادی از امیدواران که به فهرست امید رای داده بودند نیز اعلام کردند: ما هر چهار سال یک‌بار یک زلزله هفت‌ریشتری را تحمل می‌کنیم. برای همین زیرساخت‌هایمان سفت شده و نگران نیستیم. – بعد از اعلام خبر احتمال زلزله در تهران، چند شاخ اینستاگرام شماره کارت بانکی خود را اعلام کردند و گفتند حالا که کسی به هلال‌احمر اطمینان ندارد، آنها حاضرند پول جمع کنند.

– خسرو معتمد، تاریخ‌ساز و تاریخ‌تعریف‌کنن موردعلاقه تلویزیون، گفت: با توجه به اینکه از اساس زیر تهران فاضلاب چندساله قرار دارد، اگر زلزله بیاید، همه می‌رویم در فاضلاب تاریخی و این توطئه انگلستان و بعدها آمریکا بود که شاه را فریب دادند تا بد دست خودش قبر خودش را بکند.

– امیر تتلو در اینستاگرام اعلام کرد: در حمایت از زلزله‌زدگان بغ‌بغو.

– ۲۰:۳۰ نیز در گزارشی ثابت کرد رقص چاقو که بعضا در میهمانی‌های تولد و عروسی انجام می‌شود، عامل اصلی زلزله در جهان است و از مردم شریف ایران خواست که تا اطلاع ثانوی مواظب باشند.

– سازمان مدیریت ترافیک تهران نیز اعلام کرد: در صورت بروز زلزله، وضعیت ترافیکی تهران از این بدتر نخواهد شد و همین وضعی که هست را ادامه خواهیم داد.

– یکی از وزرای محترم نیز گفت: در صورت بروز زلزله در تهران شصت شصت خواهیم شد.

– در پی احتمال بروز زلزله در تهران با چند روزنامه‌نگار و چند مدیر شبکه‌های اجتماعی برخورد شد تا جلوی آمدن زلزله به تهران گرفته شود.

# شترت روزنامه

**www.sharghdaily.ir**

پنجشنبه ۲۳ آذر ۱۳۹۶ ۲۵ ربیع‌الاول ۱۴۳۹ ۱۴ دسامبر ۲۰۱۷ سال پانزدهم شماره ۳۰۳۴ ۱۶ صفحه اذان ظهر تهران ۱۱:۵۹ اذان مغرب ۱۷:۱۲ اذان صبح فردا ۵:۳۷ طلوع آفتاب ۷:۰۷

### روزنامه‌فرو

#### کارتون خواب



✎ **جلال پیرمرز آباد**

**پیش بینی دولت از درآمد سه هزار میلیارد تومانی از جرایم رانندگی در سال آینده**



✎ **مینو مرتاضی‌لنگرودی**



وقتی از خشونت علیه زنان صحبت می‌کنیم، منظور خشونت‌هایی است که انسان علیه خود روا می‌دارد. جنس و جنسیت و طبقه و قومیت و زبان و سواد و ثروت عموماً مؤلفه‌های تقسیم و تفکیک خود از دیگری و عناصری بالقوه تجزیه‌گرا هستند. جنس و طبقه و قومیت و زبان و قدرت و ثروت و دانش عواملی هستند که برای انسان اسباب بزرگی و تفاخر را فراهم می‌کنند. این عناصر آشکارا بین «من» و «ما» و در ابعاد بزرگ‌تر بین «ما» و «آنها» مرزبندی و تفکیک ایجاد می‌کنند. در اصل اساسی‌ترین عامل خشونت، تفکیک و تجزیه انسان‌ها از یکدیگر در قالب زن و مرد و غنی و فقیر و دانشمند و بی‌سواد و ... است. در اینجا تفکیک موجب کرموشدن درخت انسانیت شده است. از درخت کرمو هرگز نمی‌توان انتظار میوه و ثمر بدون کرم و آفت داشت. جداسازی انسان‌ها از برابری ماهیتی انسان بما هو انسان به‌واسطه جنس و زبان و طبقه و دانش و ثروت و... نخستین و سخت‌ترین خشونت‌ی است که انسان علیه خود مرتکب شده است. در چنین احوالی نمی‌توان خشونت علیه زنان را از خشونت فراگیری که در بطن و متن روایات انسانی و در فرهنگ و عرف و قانون و جنسیت و طبقه موج می‌زند و جریان دارد جدا کرد. منع خشونت علیه زنان بدون توجه

#### روایت

#### دشمن حقیقت چیست؟



✎ **رویا صدر**

تصور کنید که به ملاقات بیماری رفته‌اید و او بگوید: «احساس سگی را دارم که زیرش گرفته‌اند». به‌احتمال‌زیاد، آن‌گونه که وینگستاین هنگام احوال‌پرسی از فانیایاسکال به او پرخاش کرد و گفت: «تو چه می‌دانی که یک سگ زیرگرفته‌شده چه احساسی دارد»، برنمی‌آشوبید؛ بلکه بیمار را دل‌داری می‌دهید که «ایشالا بهتر میشی، غصه نخور». آن‌وقت با فراغت خاطر سراغ شنیدن حرف‌های بی‌معنی بعدی می‌روید! امروزه حرف مفت سکه رایج بسیاری از مکالمات و نوشته‌ها شده، فقط هم مختص جامعه‌ما نیست. کافی است به نطقی که ترامپ در توجیه به‌رسمیت‌ناشتن اورشلیم به‌عنوان پایتخت اسرائیل ایراد کرد مراجعه کنید تا حجم عظیمی از آن را یکجا شاهد باشید! ... ولی درهرحال حضور روشن این پدیده در مناسبات فردی و اجتماعی جامعه‌ما امری نیست که بتوان آن کنار آن به‌راحتی گذشت و آن را قابل‌قیاس با یک نطق یا نوشته دانست. زمانی شهرداری، دیوارهای شهر پرودود و ترافیک شهرمان را پرکرده بود از عبارت زیبای: «زمانی آسمان شهرمان آبی بود». تو گویی این عمه گرامی‌ما بود که باغ خراب می‌کرد و مجوز برج‌سازی می‌داد... امروزه امر وقف از اهمیت بسزایی برخوردار شده و به شهروندان بی‌خیال! عزیز توصیه می‌شود که آن را جدی بگیرند... درودیوار ایستگاه‌های مترو، خیابان‌ها، کوچه‌ها، پارک‌ها، ادارات و سازمان‌ها پر است از جملات نفخ و بی‌معنا... مجرای رسانه رسمی، زمین و زمان را با نخ عبارات بی‌معنی به هم می‌دوزند. در فضای مجازی، حرف مفت دریایی است که همراه با استیکر گل و بوس و غنچه بر سر مخاطب آوار می‌شود.

هرکدام از ما، روزانه به حجم زیادی از ادعاها و جمله‌های بدون پشتوانه و بی‌معنا در دنیای حقیقی و مجازی برمی‌خوریم و از کنار آنها مثل امری بدیهی می‌گذریم. حرف مفت برخلاف دروغ، دغدغه صدق و کذب را ندارد. نسبت به درستی گزاره‌هایی که بیان می‌کند بی‌تفاوت است و ارتباط معناداری با واقعیت ندارد؛ چراکه مثل قضیه سگ زیرگرفته‌شده، قصدش نه گزارش‌کردن حقیقت است و نه کتمان آن؛ بنابراین ما آن را کمتر جدی می‌گیریم و در برابرش خشم یا حساسیتی را که دروغ در ما برمی‌انگیزد نشان نمی‌دهیم.

حرف‌مفت‌زن، درصدد توجیه خودش است، می‌خواهد خودنمایی و جلوه‌فروشی کند و خود را مهم‌تر از آنچه هست نشان دهد. ما هم در برابرش حداکثر پوزخندی می‌زنیم و شانه‌ای بالا می‌اندازیم. رواج حرف مفت، بیشتر در آموزه‌های فلسفی پساتجددگرایانه و ستیزش آن با واقع‌گرایی و تردیدش در امکان دسترسی قابل‌اعتماد به واقعیات عینی ریشه دارد. دسترسی‌نداشتن شهروندان به عناصر آگاهی‌بخش و بی‌توجهی تولیدکنندگان پیام به نگاه و زبان و مقتضیات مخاطب باعث می‌شود تا در جامعه‌ای که همه خودشان را همه‌چیزدان می‌شناسند و در برابر هر چیزی بیش از آنچه فکر کنند نظر می‌دهند، تولید حرف مفت به مقیاس انبوه برسد و جامعه در برابرش دچار مصونیت شود. ما به قدرت تخریب و خطر حرف مفت بی‌اعتنایم؛ فراموش می‌کنیم که حرف مفت به نسبت دروغ، دشمن بزرگ‌تر و خطرناک‌تری برای حقیقت است، چراکه دروغ حقیقت را به رسمیت می‌شناسد، ولی در برابر آن قد برمی‌افرازد، ولی حرف مفت، حقیقت را نادیده می‌گیرد و توجهی به آن نمی‌کند و بر دنیایی از تخیل بنا می‌شود. ازاین‌رو مخاطب را عادت می‌دهد که دغدغه انطباق حرف‌ها را با واقعیات نداشته باشد، عادت طبیعی او را به توجه‌کردن به چگونگی امور ضعیف می‌کند و نگاه غیرواقعی و انتزاعی و ناتوانی از صدور هرگونه حکمی درباره واقعیات را برای او به امری عادی تبدیل می‌کند؛ چیزی که در جامعه خودمان نیز شاهد آیم. بسیاری از ما در برابر حرف مفت دچار مصونیت و بی‌حسی شده‌ایم و هیچ چیز خطرناک‌تر از بی‌حسی آدمیان نیست! ...



«آنگاه» در کام چهارم با جلد گالینگور آبی با عنوان «خیابان انقلاب: خیابان‌کتاب» منتشر شده است تا به یکی از مهم‌ترین خیابان‌های تهران بپردازد. خیابان انقلاب، از نظر جغرافیای مکانی، به دلیل هم‌جواری با دانشگاه تهران و وجود دبیرستان البرز، پارک دانشجو، تئاتر شهر،

به زیرساخت‌های برساازنده خشونت در تمامی ابعاد و زوایای زندگی انسانی؛ مانند توهم داشتن میوه‌ای سالم از درختی تا بن ریشه کرمو است. با هرس‌کردن یک یا دوشاخه، آن درخت بیمار شفا خواهد یافت. در آن صورت تعجبی ندارد اگر می‌بینیم و می‌شنویم که زن جراح در محل کارش به دلیل تعهد به برابری انسان‌ها در امر مداوا و درمان مورد ضرب‌وشتم قرار می‌گیرد و می‌گویند کرم از خود درخته؛ نمی‌دانست که نباید روی حرف «آنها» حرف بزنسد؟ یا دختر و زن جوانی که با عجله بسپار برای رسیدن به محل کار یا خانه و به علت ازدحام نفس‌گیر دو واکن منفک زبان سوار واکن مردان می‌شود، اگر به مردی که به هزار دلیل گفتنی و ناگفتنی خود را به او چسبانده اعتراض کند؛ آقا کمی آن‌طرف‌تر بنشین یا بایست، با این استدلال مواجهه خواهد شد تو حتما از «آنها»یی، اگر خودت کرم نداشتی چرا سوار واکن مردان می‌دانی و لایند دختر نوجوان گل‌فروش یا زن جوان دست‌فروش که در برابر آزارهای جنسی و کلامی مردان بی‌پناه و یاور‌رها شده هم از «آنها» و کرم از خودش است می‌خواست فقیر و دست‌فروش نباشد. جوری می‌گویند کرم از خود درخته که انگار درخت در فضای امن و هوای پاک و پاکیزه رشد کرده و دلش خواسته و خوش داشته به‌جای گل و میوه کرم داشته باشد. در چنین فضا و وضعیتی ادبیات و رویکرد زن و مرد نسبت به موقعیت فرق چندانی نمی‌کند. در تفکیک‌های جنسیتی قدرت اغواگری زنان تنها قدرت به رسمیت شناخته‌شده نزد مردان است و بسیاری از مردان خود را در برابر آن سخت ضعیف

#### یادداشت

## کرم از خود درخته

می‌پندارند. ازاین‌روست که با فراکنی ضعف خود و با گفتن کرم از خود درخته، عدم برخورداری از قدرت کنترل و مدیریت عواطف خود را توجیه می‌کنند. زنان نیز در بسیاری از روایات خانوادگی یا اجتماعی و شغلی عیناً همین عبارت را علیه مردان یا هم‌جنسانشان به کار می‌برند. انسان‌ها بی‌توجه به علل و عوامل و ریشه‌های خشونت‌گری در سیستم‌ری به یکدیگر بسیار پرشور و شتاب عمل می‌کنند.

تفکیک‌های جنسیتی و قومیتی و طبقاتی و ... با شقه‌شق‌کردن انسان‌ها و حبس هرکدام در وجه منفک خود روابط هستی‌مند انسان‌ها با یکدیگر را قطع می‌کنند. این قواعد خشونت را به هیتی درمی‌آورند که انسان‌ها تبعیت از آن را جزء وظایف روزمره خود تلقی می‌کنند. آنگاه است که به قول اسپینوزا؛ «مردان و زنان چنان برای بردگی خود می‌جنگند که گویی برای رهایی خود می‌جنگند». در جریان عمل به وجدان و اخلاقیاتی که بر اساس تفکیک و تبعیض‌های جنسیتی و طبقاتی و قومیتی شکل گرفته، انسان‌ها چاره‌ای جز انکار قابلیت ماهیتا برابری‌خواه خود ندارند. بنابراین با وجدانی‌کردن قواعد بی‌اساس و پایه‌ای مانند «کرم از خود درخته»، به نبردی واژگونه علیه خود مشغول می‌شوند. به‌این‌ترتیب با اختصاص‌دادن روز و هفته و حتی سال برای منع خشونت علیه زنان، کاری می‌شود تا خوبی زنان و مردانی که نقششان را به‌عنوان شهروندان مطیع و خشونت‌گریز، بدون اشاره به ریشه‌ها، دنبال و پیگیری می‌کنند تضمین شود، زیرا این آدم‌های خوب وجدانا زندگی بد را خوب زندگی می‌کنند.

#### سلام به فردا

#### دموکراسی یعنی ترویج تفکر دیگری



✎ **هوشنگ ماهرویان**

دموکراسی در دنیای مدرن به نظر من با این حرف ولتر آغاز شد که وقتی کتاب ژان ژاک روسو را خواند، گفت: «با اینکه با تفکر تو مخالفم، ولی حاضرم جانم را بدهم تا این تفکر تو نشر و گسترش پیدا کند». این پایه دموکراسی شده یعنی تحمل تفکر غیر؛ جلوی تفکر غیر را نگرفتن و حتی ترویج آن را تأییدکردن. این تفکر چندان در جامعه‌ما شکل نگرفت؛ ازجمله در اپوزیسیون قبل از انقلاب، جریان چپ که مطلقاً می‌گفت: «آگاهی و شناخت من رونوشت راستین واقعیت است»؛ یعنی من رونوشت راستین واقعیت را پیدا کرده‌ام و بقیه تفکر‌ها رونوشت کج‌وکوله‌ای از واقعیت هستند که دشمن خلق هستند و بنابراین باید سرکوب شوند. تفکر ملی ما هم نمی‌پذیرفت. هیچ‌کدام از این تفکرهای گوناگون که ما در تاریخ معاصر خود داشته‌ایم، تفکر غیر را نمی‌پذیرفتند. این باید آرام آرام در جامعه‌ما جایفتند.

وقتی اجازه می‌دهید که تفکر غیر گسترش پیدا کند، چه اپوزیسیون و چه پوزیسیون، چه دولت و چه مخالف دولت، وقتی اجازه نشر پیدا کنند، از خطر زیرزمینی‌شدن، مسلح‌شدن و خانه‌تیمی ایجادکردن جلوگیری می‌شود. وقتی رژی دربه از آمریکای لاتین به فرانسه برگشت و «انقلاب در انقلاب» را نوشت، «انقلاب از انقلاب» پشت وپرتین‌ها رفت. بعد از یک سال و خرده‌ای خود رژی دربه کتاب دیگری نوشت که در آن مبارزه مسلحانه را رد کرد و گفت مبارزه مسلحانه اختناق را زیاد و مردم را غیرفعال می‌کند و مسائل دیگر. روشی که فرانسه و اروپا انتخاب کردند، جریان‌ی را که در دهه ۷۰ و ۸۰ میلادی در ایتالیا و آلمان اتفاق افتاد، عملاً از بین برد و وقتی در ایتالیا یکی از وزرای کابینه به نام آلدو مورو را گروگان گرفتند و تهدید کردند که اگر رهبرشان آزاد نشود، او را می‌کشند و آلدو مورو را کشتند، جریان چپ چنان تظاهراتی در مخالفت با کشتن آلدو مورو در ایتالیا راه انداخت که قضیه تمام شد. ولی در کشور ما شاه دو حزب را که یکی از آنها «ایران نوین» بود، منحل کرد و حزب رستاخیز را تشکیل داد و گفت هرکس عضو حزب رستاخیز نمی‌شود، از ایران برود. فکر می‌کرد ایران مال خودش است. این یعنی تفکر دموکراتیک در این مملکت شکل نگرفته بود. آنهای دیگر مثل مائویست‌ها، مثل طرفداران تئوری کانون و رژه دربه و چه گوارا که چریک‌ها بودند، آنها هم تفکر غیر را نمی‌پذیرفتند.

پذیرفتن تفکر غیر به این عنوان که حق دارد خود را مطرح کند، مسئله مهمی است و موجب رشد تفکر و اندیشه در جامعه می‌شود. در جامعه وقتی تفکری حاکم شد و اجازه نداد مخالف سخن بگوید، اندیشه در آن جامعه رشد نمی‌کند. رشد اندیشه در جامعه زمانی اتفاق می‌افتدکه تفکر‌ها بتوانند همدیگر را نقد کنند و به چالش بکشند و نقاط ضعف تفکر، رد شود. این جریان در غرب اتفاق افتاد، ولی در کشور ما اتفاق نیفتاد؛ چون هرکسی که به نتیجه‌ای می‌رسید، معتقد بود حقیقت مطلق را پیدا کرده است. هر اندیشه‌ای با آن پارادایمی که شروع به نگاه‌کردن به جهان می‌کند، بخشی از واقعیت را بهتر می‌بیند و بخشی از واقعیت را نمی‌تواند ببیند. من مثالی از علوم تجربی برایتان می‌زنم؛ شما وقتی با ریاضیات اقلیدسی شروع می‌کنید، بخشی از واقعیت را که روی کره زمین است، می‌بینید، ولی در فضا نمی‌توانید آن را ببینید؛ چون در فضا اینکه از یک نقطه فقط یک خط به موازات خط دیگر می‌توان رسم کرد، نیست. شرایط دیگری برقرار است، مجموع زوایای مثلث ۱۸۰ درجه نیست. بنابراین پارادایم دیگری می‌طلبد؛ ریاضیات ریمانی، ریاضیات لباچفسکی و ...

جامعه نیز چنین است. هر زمانی یک پارادایمی را می‌طلبید. پارادایمی که مارکس برای تحلیل طبقاتی جامعه ایجاد می‌کند، اصلاً نمی‌تواند طالبان را بررسی کند. طالبان یک قضیه فرهنگی است. بنابراین با پارادایم دیگری باید طالبان و داعش را تحلیل کرد. این یعنی در آزادی اندیشه پارادایم‌های گوناگون متولد شوند و سعی کنند واقعیات را تجزیه و تحلیل کنند و این یعنی رشد اندیشه.

به این دلیل یکی از ضروری‌ترین چیز‌ها در جامعه‌ما، رشد تفکر دموکراتیک است؛ نه‌فقط در حاکمیت که در کل مردم. مردم بپذیرند که همسایه من حق دارد تفکری غیر از من داشته باشد و این حق طبیعی اوست که تفکری غیر از من، اندیشه‌ای غیر از من و ایدئولوژی‌ای غیر از من داشته باشد و من در کنار او صلح‌آمیز زندگی کنم.

#### پیشنهاد

رفیعی، ابراهیم حقیقی، پرویز تتاولی، اصغر همت، مریم بالیزیان، امیرحسین خورشیدفر و رضا درمیشیان، در کنار عکس‌هایی از کامران شیردل، کاوه گلستان، رعنا جوادوی و عباس عطار، با موضوعاتی متفاوت درباره خیابان انقلاب در این ۲۴۰ صفحه منتشر شده است.

تالار رودکی و تقاطع مهم چهارراه ولیعصر نقش ویژه‌ای در خاطره‌ها دارد. این خیابان میثنگ‌ها، تظاهرات‌ها و تشییع‌جنازه‌ها دیده است. به نوشته سردبیر «آنگاه»: «این خیابان «حرف»‌ها و این شماره «حفره»‌های زیادی دارد که خواننده‌ها بر خواهند کرد». مطالبی از علی

## ۲۰ آبان تا ۳۰ آذر

**نیاوران ، بعد از چهارراه کامرانیه ، مرکز خرید نارون**

**naroon.shopping.center**